

## گفت و گو با



محمد سمیر عطا

محقق مصری

در باره قوم عاد و اهرام مصر

ترجمه و تنظیم از محسن آرمین

استفاده از قصص کتاب های مقدس، در علم باستان شناسی مقوله ای نسبتاً جدید است که مخالفان و موافقانی دارد. به عقیده مخالفان، داستان های کتاب مقدس همانند سایر تعالیم وحی جنبه هدایت و ارشاد دارند. قرآن و انجیل و تورات، در داستانها و اشارات خود به مظاهر طبیعی هرگز در مقام ارایه نظریات علمی یا باستان شناسی نیستند. از این روست که مثلاً در قرآن، مقاطع مختلف یک داستان تاریخی بدون رعایت ترتب زمانی و با تعبیر مختلف بیان می شود. برخی پا را از این فراتر نهاده و قصص کتب مقدس را حاوی تعبیر استعاری و تمثیلی دانسته و معتقداند این قصص هرگز ناظر به وقایع و رخدادهای تاریخی نیستند.

به نظر مخالفان، نظریات علمی، مستند به واقعیات و اکتشافات و دلایل تجربی است. ایشان در اثبات نظریه خود می افزایند: از نظر علمی هر چه یک سند یا نص به زمان وقوع حادثه تاریخی مورد نظر نزدیک تر باشد، معتبرتر است. لذا متن کتاب های آسمانی،

مثلاً داستان قرآن درباره حوادث گذشته هر چند مقدس، از نظر علمی قابل استناد نیست. در مقابل، موافقان عقیده دارند کتاب‌های آسمانی، تعالیم وحی بوده و از منبع حقیقت مطلق صادر شده‌اند، لذا از اعتباری مطلق برخوردارند، علاوه بر این شواهد علمی تجربی، به ویژه در علمی نظیر باستان‌شناسی و کشفیات نظیر اشیاء و مجسمه‌ها غالباً هم از نظر صدور (انتساب به اشخاص، اقوام و حوادث تاریخی) و هم از نظر دلالت، ظنی هستند، در حالی که متن کتاب‌های آسمانی (به فرض عدم تحریف) حداقل قطعی الصدور است.

موافقان، معتقداند قصص کتب مقدس هر چند در مقام هدایت و ارشاد انسان ارایه شده‌اند، اما به هر حال ناظر بر حوادثی واقعی هستند.

از نظر موافقان، استعاری دانستن داستان پیامبران الهی مانند: نوح و ابراهیم و موسی و یا اقوام تاریخی، نظیر قوم عاد، ثمود، اصحاب ایکه و اصحاب رس و... به غایت تکلف آمیز است.

### پیشانی

موافقان، اکتشافات علمی قرن اخیر و نیز شباهت تأمل برانگیز بسیاری از نظریات علمی درباره یک حادثه تاریخی، نظیر طوفان نوح را با آنچه که در کتب آسمانی درباره این حادثه آمده دلیلی بر اثبات نظر خود می‌دانند.

با توجه به اکتشافات باستان‌شناسی طی یک قرن و نیم گذشته در منطقه خاورمیانه که بعضاً تأییدی بر قصص دینی است، فرضیه سمپلیک بودن داستان‌های کتاب‌های آسمانی حداقل در کلیت آن نمی‌تواند صحیح باشد.

اما به عنوان یک ایده کلی می‌توان گفت که قصص کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن، به دلیل اختصار و نیز به دلیل آنکه می‌توانند معروض تفاسیر مختلف قرار گیرند، مستقیماً به کار کشف وقایع تاریخی نمی‌آیند. علاوه بر این، به دلیل استفاده از ترمینولوژی مذهبی و مصطلحات ویژه زبان دینی در این داستانها، ترجمه مستقیم آنها به زبان علم تجربی متداول در این روزگار اگر نگوئیم محال، حداقل مشکل است، لذا برای ترجمه این قصص به زبان علم حداقل به شواهد و قراین خارجی نیاز است. مستندات تاریخی و آثار باستانی از جمله این شواهد هستند.

رابطه اکتشافات باستان‌شناسی با قصص دینی رابطه‌ای متقابل است، بدین معنا که این

اکتشافات به فهم صحیح تر قصص دینی کمک می کند و متقابلاً قصص کتاب آسمانی می توانند در ارایه نظریات تاریخی بر اساس اکتشافات باستانی مؤثر باشند. این رابطه را میان سایر مطالب کتاب های مقدس و رشته های علمی نظیر انسان شناسی و جامعه شناسی و ... می توان برقرار دانست. مسلماً سنن اجتماعی و گرایش های انسانی آن گونه که در قرآن آمده اند ما را از کاوش های علمی در جامعه شناسی - روانشناسی بی نیاز نمی سازند. اما بنابراین فرض کلی می توان از تعالیم دینی به عنوان یک ایده برای ارایه نظریات جامع و فراگیر در علوم مذکور بهره برد. قطعاً این ایده نیازمند دقت و تأمل بسیاری است تا ما را از وجوه افراط و تفریط مصون بدارد، به گونه ای که نه علم را تابع محض ایده های جزمی کنیم که حاصل تفسیر و فهم ما از کتاب است و نه تعالیم کتاب مقدس را عاری از خصلت واقع نمایی بینگاریم.

محمد سمیر عطا، محقق مصری در زمینه باستان شناسی، از جمله محققانی است که کوشیده است با الهام از قصص قرآنی درباره سابقه اهرام مصر نظریه ای ارایه دهد. وی که دارای دیپلم باستان شناسی از آلمان است، کتاب های متعددی درباره اعجاز علمی قرآن تألیف کرده است. آخرین کتاب وی «الفراعنه لصوص حضاره» نام دارد. وی در این کتاب با الهام از اطلاعات و سرگذشت قوم عاد در قرآن، می کوشد ثابت کند اهرام مصر برخلاف تصورات شایع، متعلق به قوم عاد است. کتاب وی با مخالفتها و انتقاداتی در مصر مواجه شده است. روزنامه عرب زیان «الحیة» که همزمان در بیروت و لندن منتشر می شود با محمد سمیر عطا درباره کتاب اخیر وی مصاحبه ای انجام داده است.

سابقه بحث رابطه علم باستان شناسی و قصص قرآنی در مجله وزین بینات، راقم این سطور را بر آن داشت تا ترجمه مصاحبه مذکور را بدون هرگونه قضاوتی درباره صحت و سقم نظریه سمیر عطا به خوانندگان محترم این مجله ارزشمند تقدیم بدارد.

الحیة: در کتاب خود مدعی شده اید که قوم عاد سازنده

اهرام هستند. مستند شما برای این مدعا چیست؟

سمیر عطا: مستند من قرآن کریم است. آنجا که خداوند متعال درباره قوم عاد می فرماید: «ابنون بکل ریع آية تعبون». (شعراء، ۱۲۸/۲۶) «ریع» به معنای مکان مرتفعی از

زمین است؛ و «آیه» به معنای بنا و ساختمان عظیم و مستحکم و بلند همانند کوه است. برخی از مفسران گفته اند که عمارت قوم عاد در وسط صحرا بوده است.

«تعشون» از ماده عبث یعنی «کاری را که هیچ فایده ای جز تفاخر میان امتهای و ابراز قدرت ندارد، انجام می دهید.» در سبب نزول این آیه گفته شده است: هود پیامبر درباره رویگردانی قوم عاد از ایمان و اطاعت خداوند و پرداختن به عمارات بزرگ همچون کوه بر روی مرتفعات که صرفاً با انگیزه فخر فروشی صورت می گرفت با ایشان به احتجاج پرداخت. این اوصاف با اهرام مصر منطبق است. با یک نگاه کوتاه مثلاً به بزرگ ترین هرم مصر در می یابیم که این هرم یک بنای بزرگ، همچون کوه است که بر روی تپه ای به نام «بلندی اهرام»<sup>۱</sup> ساخته شده و هدف از بنای آن جز احساس عجز ناظران چیز دیگری نبوده است.

بسیار غیر منطقی است اگر تصور کنیم قرآن بناهای قوم عاد را به آیه توصیف کند. اما این بناها از بین رفته و ما نتوانیم آنها را ببینیم. همچنین غفلت قرآن از ذکر اهرام مصر که از عجایب جهان به شمار می روند غیر قابل قبول است.

پیشکش

الحیة: آیا آیات دیگری در قرآن یافت می شود که نظریه

شما را تایید کند؟

سمیر عطا: آیات متعددی در قرآن وجود دارد که مؤید نظر من است. از جمله آیه شریفه ای که می فرماید: «الم ترکیف فعل ربك بعاد. إرم ذات العماد. التي لم یخلق مثلها فی البلاد.» (نجر، ۸۹/۸۶) کلمه إرم یعنی هرم. قوم عاد اولین کسانی بودند که به زبان عربی سخن می گفتند. زبان عربی در زمان قوم عاد هنوز از استواری و بلاغتی که بعدها در زمان اسماعیل (ع) پیدا کرد برخوردار نبود.

الحیة: اما هیچ اثری که نشان دهنده سکونت قوم عاد در

مصر باشد به دست ما نرسیده است.

سمیر عطا: به عقیده من علت این امر عذاب الهی است که قوم عاد را به کلی نابود

کرد. خداوند درباره این عذاب می فرماید: «وَأَمَّا عاد فَاهلكوا بِرِیحٍ صَرْصَرٍ عاتية. سخرها

عليهم سبع ليالٍ وثمانية أيام حسوماً فترى القوم فيها صرعى كأنهم اعجاز نخل خاوية . فهل ترى لهم من باقية . « (حاقه، ۶۹/۶-۸)

«صرصر» به معنای شدید و «حسوماً» به معنای پی در پی است. آیات قرآنی بیانگر این حقیقت اند که قوم عاد بر اثر طوفان قوی به هلاکت رسیدند و لذا هیچ اثری از اجساد آنان باقی نمانده است.

**الحياة: آیا هیچ اثری که نسبت اهرام و معابد و مجسمه های مصری را به قوم عاد ثابت کند در دست نیست؟**

سمیر عطا: این گونه نیست، آثار بسیاری در اثبات این حقیقت وجود دارد، به عنوان مثال مجسمه ابوالهول به هنگام کشف، پوشیده از شن بود. به گونه ای که زدودن حجم عظیم شن از این مجسمه بدون تسطیح منطقه وسیعی از اطراف آن برای متخصصان ممکن نبود. این امر تأکیدی است بر این حقیقت که طوفان عظیم، به همان شیوه که در داستان عذاب قوم عاد می خوانیم در این منطقه رخ داده است. همچنین باید افزود که هیچ نص و مکتوبی وجود ندارد که ثابت کند مجسمه ابوالهول متعلق به فراعنه مصر است. باستان شناسان مصر هنگامی که در کمال تعجب مشاهده کردند فراعنه مصر از نوشتن عبارتی بر بزرگ ترین مجسمه جهان، یعنی ابوالهول که وابستگی آن را به ایشان ثابت کند غفلت کرده اند، ناگزیر آن را به ملک «خضرع» سازنده هرم دوم نسبت دادند. دلیل آنها تنها این بود که ابوالهول مقابل هرم دوم بنا شده است. من معتقدم ابوالهول در زمان فراعنه در زیر کوه شن مدفون بوده و فراعنه از وجود آن بی اطلاع بودند. لذا نتوانستند نام پادشاهان خود را بر روی آن حک کنند.

**الحياة: اما این یک نمونه برای اثبات نظریه شما کافی به نظر نمی رسد.**

سمیر عطا: نمونه دیگری نیز وجود دارد و آن معمای اهرام مدفون در زیر شن هاست. امری که همه دانشمندان باستان شناس را به حیرت واداشته است. از جمله هرم «سخم خت»

در منطقه سقاره که در سال ۱۹۵۴م کشف شد. ساختمان این هرم به صورت ناتمام به طور کامل در زیر شن مدفون بود. این امر مؤید نظریه بنده است و نشان می دهد قوم عاد بر اثر طوفانی ناگهانی که همان عذاب الهی بوده از بین رفته و موفق به اتمام هرم مذکور نشده اند.

**الحياة:** اما اجساد مومیایی فراعنه به دست ما رسیده در حالی که هیچ جسد مومیایی متعلق به قوم عاد کشف نشده است. این امر را چگونه تفسیر می کنید.

**سمیر عطا:** خداوند هر تمدنی را به ویژگی خاصی متمایز ساخته است. ویژگی تمدن فراعنه سحر و جادو و مومیایی اجساد و ویژگی قوم عاد عمارت های رفیع بوده است. قوم عاد از علم مومیایی مطلع نبوده، لذا اجسادشان از بین رفته است.

**الحياة:** اما این دلیل، عدم دستیابی به بقایای حداقل یکی دو جسد متعلق به قوم عاد را توجیه نمی کند.

**سمیر عطا:** قوم عاد پیش از فراعنه در سرزمین مصر زندگی می کردند؛ و به دلیل قدمت زمانی، اجساد آنان از بین رفته است. در اینجا لازم می دانم پرده از روی یک حقیقت تعجب انگیز بردارم. حقیقتی که عالمان باستان شناس به دلایل نامعلوم آن را بیان نکرده اند. قوم عاد دارای قامتی بلند بوده اند. طول قد ایشان بین ۱۴ تا ۲۰ متر بوده است و در مصر اجساد عظیم گول پیکری یافت شده است.

- \* در سال ۱۹۷۰م در معبد کرنک پشت پله های نور و صدا، در عمق ۴/۵ متری، بقایای یک انسان گول پیکری کشف شد که طول یکی از اعضای آن ۶ متر بود.
- \* در سال ۱۹۸۶م در منطقه المعادی الجدیبه (واقع در جنوب قاهره)، جسد انسان گول پیکری کشف شد که ۱۶ متر طول داشت.
- \* در سال ۱۹۸۰م در منطقه بنی حمیل در استان سوهاج جسد انسانی به طول ۱۶ متر کشف شد.

**الحياة: آیا فکر نمی کنید استناد به آیات قرآنی درباره قوم عاد برای قانع کردن دانشمندان مصری به پذیرش نظریه شما کافی به نظر نمی رسد؟**

**سمیر عطا:** من دلایل عقلی نیز برای اثبات نظریه خود دارم. از جمله اینکه وزن هر یک از سنگ های به کار رفته در اهرام مصر به ۲۵۰۰ کیلوگرم می رسد. آیا انسان دوره فرعون که قامتی شبیه انسان کنونی داشته قادر به حمل این سنگها به وسیله چوب بوده است؟ در مقابل برای قوم عاد که دارای قامتی بلند و تنومند بوده اند، ساختن اهرام به هیچ وجه مشکل نبوده است. البته تأکیدها بر غول پیکر بودن قوم عاد از هنر و دانش ایشان در مهندسی اعجاب انگیز اهرام مصر نمی کاهد. در اینجا یک سؤال مهم و اساسی مطرح می شود و آن اینکه آیا سازندگان اهرام احمق بوده اند که سنگهایی بزرگ تر از حجم و عظیم تر از قدرت خود را که توان حمل آن را نداشته اند تهیه کنند و آن را از جایگاه اصلی خود که بین منطقه الجیزه - صدها کیلومتر دورتر-، به محل فعلی اهرام منتقل کنند و سپس با آنها بناهایی به طول ۱۴۶ متر بسازند. البته تمدن های گذشته بناهای عظیمی داشته اند که برای تفاخر ساخته شده اند اما مواد و عناصر بکار رفته در ساختمان این بناها اگرچه قلعه ها و برج های سر به فلک کشیده است، ناگزیر متناسب با قدرت و توان سازندگان آنها بوده است. بنابراین از نظر هندسی و اصول منطقی باید پذیرفت که حجم سنگ های بکار رفته در ساخت اهرام و معابد و مجسمه های باستانی مصر متناسب با اندازه های فیزیکی انسان های غول پیکر بوده است.

**الحياة: درباره فرضیه های فراوانی که درباره ساختن اهرام مصر مطرح شده است چه می گوئید؟**

**سمیر عطا:** این فرضیه ها قابل مناقشه هستند، به موجب یکی از این فرضیه ها ساختن اهرام با این ارتفاع از طریق انباشتن تدریجی خاک در اطراف آنها تا رأس انجام پذیرفته است و پس از پایان کار خاکها برداشته شده اند. بدین معنا که مثلاً برای ساختن بزرگ ترین هرم، توده ای شن به حجمی که می توانسته قاهره را بپوشاند در اطراف هرم جمع آوری شده تا ساختن سطوح فوقانی و رأس هرم مقدور گردد و سپس این توده شن از اطراف آن زدوده شده است. بعدها عالمان این فرضیه را رد کردند. زیرا فراهم آوردن و انباشتن این حجم از

شن و سپس زدودن آن از اطراف هرم سخت تر از ساختن خود هرم است. البته این نظریه زمانی مطرح شد که برخی از اهرام نیمه تمام کشف شد و دلیل روشنی برای عدم اتمام آنها متصور نبود.

در واقع این امر کاملاً نظریه مرا تأیید می کند. بدین معنا که کشف برخی از آثار مدفون در زیر شن و توقف ساختنشان به دلایل نامعلوم، نتیجه طوفان قدرتمندی بوده است که به صورت ناگهانی به حیات سازندگان آن پایان داده است، و این همان عذاب خداوند درباره قوم عاد است. «واما عاد فاهلکوا بریح صرصر عاتیه.»

برخی دیگر از عالمان معتقداند فراغه پس از شکستن و تراشیدن سنگها با استفاده از ابزارهای چوبی اقدام به انتقال آنها کرده اند. ایشان کوشیدند این شیوه را به تقلید از فراغه عملاً تجربه کنند اما این تجربه کاملاً ناموفق بود.

از جمله فرضیه های دیگر اکاذیبی غیر علمی است که مدعی هستند قوم یهود سازنده اهرام بوده اند یا مخلوقات کرات دیگر به زمین آمده و اهرام را بنا نهاده اند. در حالی که آنچه من می گویم به واقع نزدیک تر است.

پنجشنبه

**الحیة:** علیرغم اینکه هیچ کتیبه و نقشی بر روی اهرام وجود ندارد که انتساب آنها را به فراغه ثابت کند، اما در معابد و تمثالها نقوشی وجود دارد که بر انتساب آنها به ایشان تأکید دارد.

**سمیر عطا:** فراغه به سرقت آثار گذشتگان عادت داشتند. یک قاعده در میان فراغه وجود داشت و آن اینکه فرعون جدید، نوشته ها و آثار فرعون قبلی را از روی بناها از بین می برد و آنها را به خود نسبت می داد.

آیا با این وجود می توان به نقوش و کتیبه های مذکور اطمینان کرد؟ شاید «حتشبسوت» که بسیاری از آثار گذشتگان را به خود نسبت داده، بزرگ ترین سارق در میان فراغه باشد. معابد منتسب به فراغه چیزی جز قصرهای قوم عاد نبوده اند. اگر به تمثال های فراغه به دقت نظر کنیم در خواهیم یافت که از قطعات سنگی بزرگ ساخته شده اند. قطعاتی که جز افراد غول پیکر، قدرت ساختن آنها را ندارند؛ و اگر بیشتر دقت کنیم خواهیم فهمید که این



تمثال‌ها مجسمه‌های افراد غول‌پیکر قوم عاد هستند. مجسمه‌های «ممنون» و «معابد کرنک» و «اقصر» و «ابوسمبل» به روشنی صحت این مدعا را نشان می‌دهند. علاوه بر این، فراغه ساختمان‌هایی از گل بنا کرده‌اند و نه از سنگ‌های بزرگ، در صحرای سینا قلعه‌هایی از جنس گل متعلق به فرعونیان به دست آمده است، به راستی چرا قلعه‌ها را از گل ساخته‌اند و معابد را از سنگ. آیا منطقی است که فراغه قلعه‌هایی را که باید در برابر حملات دشمنان مقاوم باشند از گل بسازند و معابد را از سنگ؟ اگر فرض کنیم این معابد و تمثال‌ها از آن فرعونیان است آیا آنها از ساختن قلعه‌های سنگی عظیم عاجز بوده‌اند؟

**الحياة: اما فرضیه شما با مخالفت دانشمندان مصری مواجه خواهد شد.**

سمیر عطا: قطعاً همین‌طور است. من می‌دانم که این موضوع، بسیاری را خشمگین خواهد کرد و موجی عظیم از مخالفت علیه من براه خواهد افتاد و با طرح این فرضیه با توهین‌ها و اهانت‌های زیادی روبرو خواهم شد. اما من از اینان می‌خواهم که پیش از هر گونه مخالفتی، عقل خود را به داوری بخوانند، در آن صورت گفته‌مرا منطقی خواهند یافت و اگر قانع نشدند باید اولاً: خود به این فرضیه که فرعونیان سازنده اهرام هستند باور داشته باشند و ثانیاً: دلایل کافی برای قانع ساختن دیگران ارایه دهند. اما اینکه کسی مدعی ساختن اهرام به وسیله فراغه باشد اما درباره کیفیت ساختن آنها هیچ توضیحی نتواند بدهد و غیر از تاریخ تحریف شده و حدس و تخمین هیچ دلیلی نتواند ارایه دهد، جز عناد و لجاجت و سخن غیر علمی گفتن و تقلید و پیروی از آنچه که عالمان غربی مسلم فرض کرده‌اند معنای دیگری نخواهد داشت. عالمانی که خود اولین کسانی بودند که این سؤال‌های مهم را مطرح کرده‌اند: سازندگان اهرام چه کسانی بودند و چرا و چگونه آنها را ساخته‌اند؟ آیا ما باید صرفاً مقلد آنها باشیم یا باید خود بیندیشیم تا به حقیقت برسیم.

**الحياة: شما با این نظریه، مصر را از مجدد و شکوهی که بدان افتخار می‌کند محروم می‌سازید.**

سمیر عطا: من مصر را از مجدد و شکوه محروم نساختم‌ام، بلکه قدمتی تاریخی که به

فکر هیچ کس خطور نمی کند به آن بخشیده ام. بر اساس نظریه من مصر دارای تمدن دیگری پیش از تمدن فراعنه بوده است. تمدنی که پیش از این عالمان غربی نامی از آن ننشیده اند. و این بدان معناست که تمدن مصر، قدمتی بیش از هفت هزار سال دارد. این منطقی نیست که ما به پیروی از عقاید و نظریات عالمان غربی ادامه دهیم، در حالی که ایشان اولین کسانی هستند که میان فرضیات خود و واقعیت فاصله ای بسیار زیاد مشاهده کرده اند. همچنین عاقلانه نیست، کتاب خدا را که از بیان هیچ چیز فروگذار نکرده به کناری نهمیم.

**الحیة: اما می دانیم که معادن سنگی که قطعات اهرام از آنجا استخراج شده کشف شده است.**

سمیر عطا: این امر نه چیزی را نفی می کند و نه ملکیت معادن مذکور را برای افراد خاصی ثابت می کند. من از شما می پرسم: انتقال این قطعات عظیم سنگ چگونه صورت گرفته است؟ آیا انسان های عادی آنها را حمل کرده اند؟ انتقال این قطعات چقدر به طول خواهد انجامید؟ یک حساب ساده هندسی نشان می دهد، انتقال این سنگها به وسیله انسان هایی با اندازه های فیزیکی ما غیر ممکن است. روزنامه فرانسوی «فیگارو» تحقیق مهمی از «ستیرواین ویر» دانشمند ریاضی دان از موزه تاریخ طبیعی «کلورادو» در ایالات متحده امریکا منتشر کرده که بسیار جالب توجه است. وی در این تحقیق با نظر «هیرودوت» که تعداد کارگران سازنده اهرام مصر را سی هزار تن ذکر کرده، مخالفت ورزیده است. اگر یک مصری چنین ادعایی می کرد آبروی خویش را برده بود. ویر، معتقد است برای ساختن هرم بزرگ در ظرف ۲۳ سال (یعنی تمام عمر فرعون خوفو) در مراحل اولیه ساخت، ده میلیون کارگر لازم بوده است. زیرا در این هرم ۲/۶ میلیون متر مکعب سنگ بکار رفته است و ده میلیون کارگر یعنی همه نیروی کار فعلی موجود در مصر.

بیتنا